

اول می :

دریچه ای بسوی روشنایی

در کتاب خانه ی شهر ما کتاب ها و مطالب ارزشمند، پیرامون تاریخچه ی اتحادیه ها ، سندیکاها و دیگر کار های دسته جمعی کارگران ، وجود دارد که پس از خواندن آنها ، تازه از فراز و فرود های تاریخ مبارزات طبقه ی کارگر در سرا سردنیا آگاهی بدست میاید . در پهلوی آنکه خواندن آن ها لذت بخش بود آگاهی های نو و در برخی موارد باور نکردنی در خود داشتند . در لابلای آن پیرامون مبارزات صنفی و طبقاتی کارگران منجمله اول می و پس منظر تاریخی آن ، مطالب سودمندی یافتیم که درین نوشته بخش اول می آنرا با خواننده ی گرامی شریک میسازم .

اگر از مطالب تکراری اعتصابات و تظاهرات کارگران نساجی شهر شیکاگو ی ایلات متحده ، یورش پلیس بر آنها ، کشته و زخمی شدن تعدادی از آنها و ... که همه ساله جریان آنرا در چندین رسانه ی گروهی دیده اید بگذریم ، مطالب بسیار نغز و تازه نوشته شده است .

تاریخچه ی اول می و بزرگداشت از آن به سالها و سده های باستان میرسد . در روشنی نوشته های این کتاب ، اول می ، برگزاری همه ساله ی آن و آنرا به فال نیک گرفتن، برای نخستین بار در روم و یونان باستان و پس از آن در بین ((سلاو ها)) و یک مردم دیگر که ((سلت ها)) نامیده شده اند ، بمتابیه گرامیداشت از مقد م بهار ، خرمی ، شادابی و باروری ، همه ساله برگزار میگردد . من گمان میکنم که با آگاهی از یکدیگر ویا بدون آن ، برگزاری جشن اول ماه می ، همانندیها یی (شباهت هایی) با جشن های آغاز سال خورشیدی ساکنان آریانا و خراسان باستان دارد و همچنین هر دو جشن با روحیه های همانند برگزار میشدند .

در بخش دیگر ، این جشن را (اول می را) بنام جشن آتش نیز یاد کرده اند . که این نیز همانند یهپایرا با آیین زردشت و مقدس دانستن آتش در ان آیین ، گواهی میدهد .

در گستره ی برخورد مذهبیهون متعصب با این دو برگزاری (اول می و اول حمل) نیز همانند ی هایی وجود دارد ، در اروپای باستان با برگزاری اول می بمتابیه روز باروری ، شادابی و خرمی به این سبب که صیغه ی دینی ندارد و کلیسا آنرا به رسمیت نمیشناسد نه تنها علاقه مندی نشان داده نشد که از جانب کلیسا ممنوع و قدغن اعلان گردید . اگر بیاد داشته باشیم مجاهدین و بویژه طالبان این روز را غیر مذهبی دانسته نه تنها به آن میل و رغبت نشان نمیدادند بلکه طلبان آنرا ((حرام)) دانسته و برگزاری آنرا منع کردند .

این همه همانندی ها که در برخی موارد به مشکل قبول شده میتواند ، نمایانگر خواست ها و ذوق های همانند انسانهاست ، انسانهاییکه به هزاران فرسخ دور از یکدیگر بدون داشتن وسایل سفر و موجودیت طبیعت قهار، یکسان فکر میکنند و ذوق های همانند داشته اند .

واما اول می در سده های پسین : پیرامون رویداد های اول می ۱۸۸۶ شیکاگو و واکنش ظالمانه ی صاحبان کارخانه و سرمایه که دولت و پولیس هم زیر فرمانشان بود ، شنیده و خوانده ایم . میخواهم اینقدر زیاد کنم ، پس از آنکه کارل مارکس در روشنی نبوغ خود ، تیوری ارزش اضافی ، ضرورت همدست شدن تمام کارگران دنیا و آثار رهنمودی دیگر خود را نوشت و نشر کرد و از طرف دیگر تولید در سیستم سرمایه داری متمرکز گردید و کارگران از وفرت استثمار شدید و بیداد سرمایه داران به ستوه رسیده بودند ، حق خواهی و داد خواهی آغاز گردید که طلایه ی آن

را میتوان اول می ۱۸۸۶ و بویژه پس از کنگره انتر ناسیو نال (۱۸۸۹) که این روز (اول می) را بمثابه روز همبستگی جهانی طبقه ی کارگر به رسمیت شناخت ، دانست . یعنی اول می ۱۸۸۶ را میتوان دریچه ای به سوی روشنایی های بیشتر نامید .

موجز اینکه قیام کار گران نساجی شهر شیکاگو آغاز گر مبارزات رهایی بخش کارگران دنیا شد که پیگیری آن مبارزات ، خیلی زود نتایج دلخواه بیار آورد ، ساعات کار که تا آنزمان ازده تا هجده ساعت در روز میرسید به هشت ساعت کار در روز محدود گردید و ...
مادر حالیکه این روز را به کار گران دنیا بویژه کار گران افغان شاد باش میگوییم پیروزیهای بیشتر شانرا در راه بدست آوردن حقوق شان خواهانیم .